

عنوان دوره:

راهبردها و تجربه های راه اندازی کسب و کارهای کوچک برای زنان روستایی

مشاور علمی

دکتر افسانه احسانی

هدف دوره

آسیب پذیری و تاب آوری در یک تعریف عامتر همان فقر و غنا هستند. شرط لازم تاب آوری تمکن اقتصادی و برخورداری از فرصت تامین معیشت است. زنان روستایی در اقتصاد سنتی روستا البته نقش موثر و زاینده خود را داشته اند. اما وقتی این نقش تغییر می کند، مثلاً به دلایلی کشاورزی و دامداری به دلایلی دیگر تکافوی تامین معیشت را نمی کند کاملاً آسیب پذیر شده و تاب آوری در برابر تغییرات متعاقب را نیز از دست می دهند. آموزش شیوه های راه اندازی کسب و کار کوچک ضمن انطباق زنان با شرایط اجتماعی و اقتصادی جدید همچنین بر امکان مشارکت مدنی آنها می افزاید.

مدت دوره

مدت ایده آل برای این دوره هشت جلسه دو ساعته، مجموعاً شانزده ساعت است. نیمی از این مدت بهتر است نظری و نیم دیگر عملی و همراه با کار صحرایی باشد. اما کلیاتی از دوره در ورکشاپ یک روزه یا یک کلاس دوساعته آنلاین نیز قابل ارائه است.

برنامه مدرس

مقدمه

مفاهیم پایه

چشم انداز

نتیجه گیری

برنامه اجرایی

منابع و مآخذ بیشتر

سرفصل های دوره

شرح خدمات برای راه اندازی یک کسب و کار پایدار روستایی

چشم انداز و اهداف یک کسب و کار محلی

تجربه شیب دراز، قشم

پایش، ارزیابی و کنترل پروژه در کسب و کار محلی

شیوه های گفتگو و ایجاد ارتباط با زنان محلی برای راه اندازی کسب و کار

نمونه ای از ایجاد کسب و کارهای خانگی با تکیه بر هنرهای بومی و با هدف حفاظت از منابع طبیعی: پروژه

ترسیب کربن، خراسان جنوبی، منطقه سربیشه

مسئولیت های خریداران محصولات بومی و گردشگران

نمونه مباحث کلاس

نمونه ای از "کسب و کارهای کوچک" زنان در گردشگری پایدار- جزیره قشم^۱

1. Promoting livelihoods for Ecotourism through womens handicraft community organizations of Shibderaz village related to Hawksbill Turtle project in Qeshm-

توان‌افزایی زنان از طریق هنرهای بومی آن‌ها برای حضور در عرصه گردشگری پایدار در کشور ما عنوان جدیدی محسوب می‌شود. "پروژه هنر برای حفاظت" از اولین پروژه‌ها با این عنوان بوده که به همت بانوان روستاهای شیب‌دراز و بُرکه‌خَلَف و با حمایت صندوق کمک‌های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی سازمان ملل متحد، سازمان "منطقه آزاد قشم" و "اداره محیط زیست" در ایران پایه‌گذاری شده است. این پروژه در تلاش بود تا با تکیه بر توانمندی‌های زنان روستایی که هنرهای اصیل خود را از مادرانشان آموخته‌اند، زمینه‌ای برای اشتغال‌زایی و افزایش خودباوری در آن‌ها مهیا سازد. این تجربه از سال ۱۳۸۶ پس از پروژه‌های "حفاظت از لاک‌پشت پوزه‌عقابی" و "اکوتوریسم روستای شیب‌درا" و پروژه "حفاظت از صدف در خطر انقراض لب‌سیا" در جزیره قشم، با هدف حفاظت از محیط زیست و فرهنگ منطقه، آغاز شد که در ترویج این تفکر در سایر روستاهای جزیره نیز نقش داشته است.

بانوان این دو روستا، به‌ویژه روستای بُرکه‌خَلَف که از نظر در دسترس بودن و نزدیکی به شهر قشم شرایط مساعدتری برای میزبانی گردشگران دارد، صنایع دستی اصیل و بومی خود را به صورت قابل عرضه به گردشگران تولید می‌کنند و بدین منظور دو فروشگاه در ورودی روستا برپا کرده‌اند.

تکیه بر توانایی‌های بومی جوامع روستایی می‌تواند زمینه مناسبی برای اشتغال‌زایی و حفاظت از محیط زیست باشد. از طرفی هم منجر به آشتی آن‌ها با ارزش‌های فرهنگی‌شان می‌شود و اعتماد به نفس آن‌ها را تقویت می‌کند. این عوامل در کنار هم به توسعه روستایی کمک می‌کند و خلاقیت ساکنان را ارتقاء می‌دهد و باعث ایجاد شغل‌های متنوع می‌شود.

وضعیت موجود: این پروژه بالغ بر ۷۰ عضو مستقیم و غیرمستقیم دارد. بخشی از درآمد گروه در صندوق بومی جمع می‌شود و برای فعالیت‌های گروهی مانند حضور در نمایشگاه، تولید اقلام تبلیغاتی و... هزینه می‌گردد. سه سازمان محلی به نام‌های "بانوان ساحل شیب‌درا"، "صدف لب‌سیا" و "مروارید پیلم" در حال حاضر فعال‌اند و گروه‌های دیگری را در سایر روستاها پشتیبانی می‌کنند. بانوان توانمند این روستاها به این باور رسیده‌اند که گردشگران به دلیل ارزش‌های محیط زیستی جزیره، به این روستاها آمده‌اند و به علت حضور آن‌هاست که

Island (IRA-G52-2004-047)/SGP/GEF/UNDP-Avaye Tabiate Paydar Int.
SEPTEMBER 2007.

پروژه دره شوی؛ "توسعه توسعه یاران محلی" و "آلای طبیعت پایا" در زمینه‌سازی برنامه‌ریزی و اجرا یک پروژه مشارکتی داشت.

فرصت اشتغال‌زایی، تعامل با دوستان جدید و تبادل اطلاعات و حضور آن‌ها در فعالیت‌های اجتماعی فراهم شده است. اعضا در تلاش‌اند تا به خانواده و به‌ویژه برادران و پدران خود نیز این موضوع را یادآوری کنند.

با توجه به این‌که مردان همواره دغدغه درآمدزایی برای خانواده را دارند، متأسفانه در پاره‌ای موارد، برای آن‌ها کسب درآمد بر توجه به ملاحظات زیست‌محیطی و ارزش‌های حفاظتی اولویت پیدا می‌کند، که این موضوع از چالش‌های گردشگری پایدار محسوب می‌شود. از آنجا که در روستای بُرکه‌خَلَف امکان مشاهده صدف لب‌سیاه از نزدیک وجود ندارد، بانوان این روستا تصویر صدف لب‌سیاه را با سوزن‌دوزی‌های زیبا بر روی محصولاتشان از جمله کیف، روسری و شال و... نقش می‌زنند تا همواره به گردشگران یادآوری شوند که قصد دارند با تکیه بر هنرهای بومی خود، فرهنگ ارزشمندشان را به گردشگران معرفی کنند. آنان همچنین در فعالیت‌های آموزشی بانوان سایر روستاها و سایر طرح‌ها از جمله پروژه ژئوپارک جزیره قشم که یکی از اهداف آن ارتقای زندگی جامعه بومی و توان‌افزایی بانوان است، مشارکت داشته‌اند (احسانی، ۱۳۹۱: ۲).

برخی اقدامات انجام‌شده در این طرح: انجام فعالیت‌هایی برای ایجاد و تقویت انگیزه در بانوان جهت مشارکت در پروژه، ایجاد گروه و سازمان محلی بانوان و تلاش برای تقویت و پایداری آن، تقویت اعتماد به نفس آن‌ها، جلب مشارکت هنرمندان مرتبط، تولید صنایع دستی قابل عرضه به گردشگران، تولید محتوای ارزشی این محصولات در مقاله، بروشور و سایر اقلام تبلیغاتی، عرضه تولیدات در نمایشگاه‌ها و همایش‌های داخلی و بین‌المللی، آموزش بانوان به‌منظور عرضه با کیفیت محصولات و چگونگی برخورد و تعامل با خریداران، ارتقای آگاهی از دیگر ارزش‌های بومی منطقه، ایجاد انگیزه در نسل آینده برای تداوم این مسیر، تشویق بانوان برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های روستا، ایجاد انگیزه در بانوان روستایی سایر مناطق ایران برای تولید و عرضه هنرهای بومی به‌منظور معرفی و حفظ ارزش‌های فرهنگی و زیست‌محیطی، دعوت از افراد آموزش‌دیده در این پروژه برای آموزش و تبادل تجربه به بانوان سایر مناطق و... را می‌توان نام برد.

تأثیرات مثبت پروژه: تقویت حس افتخار به ارزش‌های بومی، تقویت روحیه کار گروهی، ایجاد فضایی مناسب برای تعامل میان بانوان این روستاها و سایر روستاها، مشارکت بانوان پروژه مذکور در پروژه اکوتوریسم و کمک به پایداری آن، ایجاد انگیزه در بانوان برای ادامه تحصیل و حضور در عرصه‌های اجتماعی، کسب تجارب ارزشمند در حین سفرهای نمایشگاهی، ایجاد انگیزه در بانوان برای مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی، زیست‌محیطی، اجتماعی و...، حفظ و احیای هنرهای ارزشمند بومی، تشویق کودکان برای یادگیری این هنر، تعامل میان گردشگران و جامعه میزبان، اشتغال‌زایی، صدور فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی به سایر مناطق از طریق صنایع دستی بومی.

برخی چالش‌های پروژه: فراموش شدن اهداف زیست‌محیطی پروژه توسط جامعه بومی در پاره‌ای موارد، غلبه پول و منافع شخصی بر اهداف حفاظت توسط

بعضی از اعضا، ایجاد رقابت‌های ناسالم، کاهش خلاقیت و تنوع محصول پس از افزایش تقاضا در پاره‌ای از موارد، فاصله گرفتن از اصالت محصول تحت تأثیر سلیقه مشتری، عدم امکان ادامه فعالیت برخی بانوان به علت ازدواج یا بچه‌دار شدن آنان، ممانعت از ادامه فعالیت بانوان توسط برخی همسران، چانه‌زنی برخی گردشگران و عدم توجه به ارزش واقعی هنرهای بومی، افزایش قیمت مواد اولیه و به‌ویژه حمل‌ونقل (Ehsani & Azari, 2017).

تجربه نگارنده

میزان مشارکت هر منطقه با توجه به زمینه فرهنگی و میزان پذیرش جامعه میزبان در پروژه‌های توان‌افزایی متفاوت است. همچنین انگیزه‌های متنوعی در ثابت‌قدم ماندن بانوان در این قبیل پروژه‌ها تأثیرگذار است. تجربه نشان داده است، معمولاً بانوان مناطقی که از نظر شرایط اقلیمی و منابع طبیعی از موقعیت مناسب‌تری دارند، انگیزه‌هایی فراتر از اقتصاد دارند. کشف انگیزه‌های درونی بانوان یکی از ابعاد بااهمیت این قبیل پروژه‌هاست که منطقه به منطقه و حتی فرد با فرد تفاوت دارد. موانع متعددی نیز پیش روی بانوان علاقه‌مند به مشارکت در این نوع فعالیت‌ها قرار دارد که معمولاً اعضای خانواده، دوستان و آشنایان عامل آن هستند یا در پی تجربه‌ای ناخوشایند به وجود می‌آید. تسهیل‌گران در این نوع پروژه‌ها همواره و به مرور این موانع را کمرنگ و نقاط قوت آن‌ها را برجسته می‌کنند تا رفته‌رفته این فعالیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جایگاه خود را در جامعه کوچک روستایی پیدا کند. حمایت‌های از راه دور پس از پایان طرح تا پایداری کامل آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اهمیت این حمایت‌ها تا حدی است که در بسیاری موارد در نبود آن، پروژه متوقف و ناپایدار می‌ماند. از نکات شایان تأمل که می‌تواند در آسیب‌شناسی فعالیت بررسی شود، تغییر رفتار برخی بانوان و به عبارتی خودبزرگ‌بینی آنان به‌ویژه نمایندگان گروه‌هاست که گاهی اثرات بسیار منفی در پایداری گروه می‌گذارد.

تعریف و تمجیدهای خارج از معمول گردشگران، رسانه و مسئولان دولتی از این افراد که از آن‌ها به‌عنوان بانوان کارآفرین روستایی یاد می‌شود، همچنین ارائه تسهیلات بی‌برنامه در این لجام‌گسیختگی تأثیرگذار است. آنچه اهمیت دارد، رشد متوازن گروه و توجه به همه اعضا و ایجاد همدلی میان آن‌هاست. اعتمادسازی و حفظ این اعتماد میان مسئولان پروژه و اعضای گروه بومی اهمیت ویژه‌ای دارد. همه اعضا می‌بایست به این باور برسند که موفقیت هر یک از آن‌ها به معنی موفقیت گروه است و یک گروه موفق به تک‌تک اعضای خود نیازمند است. این باور در زمان کوتاه و با پروژه‌هایی که زیرساخت‌های مناسب ندارند، اتفاق نخواهد افتاد.

معمولاً در پروژه‌هایی که هم‌ارز یکدیگر انجام می‌شوند و به هم‌افزایی هم کمک می‌کنند مانند پروژه‌های (SGP) در جزیره قشم، فعالیت‌های ارزشی در طول زمان در منطقه بسترسازی می‌شود. به این ترتیب گام‌های مختلف یکدیگر را تقویت می‌کنند و احتمال پایداری پروژه‌ها بالا می‌رود.